



اشعار؛ امروز گفتمان زنان گفتمانی غالب در سطح جوامع است و از آنجا که نیمی از هر جامعه را زنان تشکیل می دهند، مسائل مربوط به آنان حائز اهمیت است. در طول تاریخ اجحافهای زیادی در حق زنان صورت گرفته است. زمانی که یونان باستان زنان را همچون بسردگان خرید و فروش و از کمترین حقوق انسانی محروم می کردند.بعدها با وقوع رنسانس و ورود به عصر روشنگری، جریان‌های برابری طلبانه در نتیجه ظلم تاریخی شکل گرفتند. در جامعه امروز ۳ جریان عمده در قبال مسائل زنان وجود دارد. عدمای هر گونه حضور اجتماعی زن را رد کرده و حکم به خانه‌نشینی او می‌دهند. جریان‌های برابری طلبانه زن را به حداکثر حضور اجتماعی برابر با مردان تشویق می‌کنند و گروه سوم نظری بینابین دارند.در این مقاله تلاش شده است به جایگاه و نقش اجتماعی زن در جامعه از دیدگاه مقام معظم رهبری پرداخته شود.

■ **جایگاه اجتماعی زنان در اسلام**

از نظر رهبری شخصیت‌والای زن هنوز آنطور که باید و شاید در جامعه ترسیم نشده است. جریان‌های غربی و فمینیستی نیز به‌رغم ادعاها و شعارهایشان نتوانستند جایگاهی درخور مقام زن برای او ایجاد کنند.ایشان وضعیت کنونی زنان مسلمان ایرانی را به‌رغم توسعه حضور اجتماعی، دارای خدمت‌مطلوبی از پیشرفت می‌دانند و معتقدند زنان ایرانی هنوز در اول راه پیشرفت قرار دارند. به همین دلیل افراد جامعه بویژه زنان باید نسبت به موضوع «زن» آگاهی‌های لازم را از دل «اسلام» به دست بیاورند؛ دینی که به زنان شأن و جایگاهی برابر با مردان بخشید تا جایی که همای مردان با پیامبر(ص) بیعت کردند و بدین وجه مشارکت سیاسی و اجتماعی‌شان مشروعیت یافت. از دیدگاه ایشان، زن و مرد از نظر جنبه‌های انسانی تفاوتی با هم ندارند و جنسیت نسبت به انسانیت در درجه دوم اهمیت قرار دارد. «زن و مرد همواره در ارزش‌های اسلامی و انسانی و وظایف عمومی یک‌سان و در جامعه اسلامی همسو و مستطیع بوده‌اند و تنها در وظایف اختصاصی، آن هم براساس خصوصیات آفرینش آنها اختلافاتی وجود دارد»^(۱).ایشان با اشاره به عمومیت حدیث «مَنْ اصْبَحَ لَا يَهْتُمُّ بِأَمْرِ الْمُسْلِمِينَ

سیدمهرداد سیدبزرگز: ۲ مهر ۹۴ به قدری دردناک و حزن‌انگیز بود که نهنتها جهان اسلام را عزادار کرد بلکه تمام دنیا را به عکس‌العمل نسبت به سوءمدیریت وی بی‌تدبیری فاحش رژیم آل‌سعود واداشت.بیش از ۲ ماه از زمان حادثه گذشت تا‌بالاخره پیکر مطهر شهید بزرگوار رکن آبادی سفیر سابق ایران در لبنان شناسایی شد و به میهن بازگشت ولی هنوز دواز بیش از ۷ هزار حلاجی جهان اسلام تازه است و هنوز هم علت وقوع حادثه منا برای جهان اسلام معلول باقی است و آل‌سعود نیز کاملاًسکوتی همراه با بی‌تفاوتی اتخاذ کرده به طوری که انگار اتفاقی با این ایحاد وسیع رخ نداده‌است، واقعاً بنا به چه جریمی خون این انسان‌های بی‌نگاه ریخته شد؟ و مهم‌تر چرا خون مطهر این عزیزان، دولتمردان جهان اسلام را بیدار نمی‌کند؟ که حداقل مانع پیامل شدن خون شهدای منا شوند! این حادثه نباید فراموش شود اگرچه سکوت و تعلل دو ماهه دولت‌های جهان اسلام چیزی جز فراموشی در پی نخواهد داشت.آنها که پیوسته دم از بازگرداندن حیثیت و آبروی ملی می‌زنند چه می‌کنند، چرا سکوت کرده‌اند؟ این بهترین فرصت بود تا ادعای خود را اثبات کنند و حداقل خود را یک ملی‌گرای واقعی نشان دهند. آیا جان ۴۶۵ ایرانی ارزش و اعتبار ندارد، برخی کشورها تنها به خاطر یک کشته و زخمی خود، جهان را به هم می‌ریزند و تا حق خود را نگیرند دست از تلاش برنمی‌دارند، روسیه تنها به خاطر ساقط شدن یک جنگنده خود و کشته شدن خلبان آن ترکیه را کاملاً تحت فشار قرار داده است و به حدی در موضع خود محکم و ستمخ است که ترکیه دچار سردرگمی و دست‌پنچگی شده است ولی متأسفانه دچار برخی دولت‌های جهان اسلام جان چند هزار حاجی به اندازه یک خلبان روس هم ارزش ندارد که به خاطر آن، آل‌سعود را با «عکس‌العملی سخت و خشن» تنبیه و

جایگاه و نقش زن در جامعه اسلامی از دیدگاه رهبر انقلاب

محور در خانواده مسوؤل در جامعه

- فاطمه حمزملوی^(۱)**

زنان آن کشور بتوانند به این صفاء، معنویت، زكاه و تعالی فکری برسند، هیچ مشکلی در آن مملکت باقی نمی‌ماند، یعنی زن به طور محسوسی در مرد، تأثیر دارد.هم بر روی شوهرش، هم بر روی فرزندانش تاثيرات تعیین‌کننده‌ای می‌تواند بگذارد. و لذا در واقع اصلاح جامعه با اصلاح زنان است»^(۲). از نظر ایشان هدف از تعلیم و تربیت زنان صرف اشتغال یا رسیدن به مناصب بالا نیست؛ زن باید شأن انسانی خود را در جامعه پیدا کند. شخصیت و اعتماد به نفس پیدا کند و این تصور که نسبت به مرد یک موجود درجه دوم و بازیچه خواستگها و اراده مرد است، از بین برود. در این مسیر، خود‌زنان نقش اصلی را بر عهده دارند. زن‌ها هستند که باید مسؤولیت‌ها، وظایف و جایگاه خود را در نظام اسلامی بیابند. مجالس زنانه نباید به سمت صحبت‌های پوچ و بیهوده سوق پیدا کند؛ مقابله با آثار به‌جا مانده از فرهنگ قدیمی که به سطحی‌نگری زنان و عدم پیشرفت آنها دامن می‌زند، کاری است که جمعیت زنان باید انجام دهد.

■ **اشتغال زنان**

در زمینه اشتغال، رهبری بیان می‌دارند: «با بایبکاری خانها مخالفیم؛ اصلا زن باید کار کند.البته کار دو جور است؛ یکی کار داخل خانه و یکی کار بیرون خانه، هر دو کار است.»^(۳) همانطور که از ظاهر سخن برمی‌آید،ایشان برای کار خانگی ارزشی همسطح با کار بیرون از خانه قائلند و آن را گونه‌ای از اشتغال می‌دانند. البته ارزشمند شمردن کار خانه‌داری، به معنای مخالفت‌ایشان با اشتغال خارج از خانه نیست: «اشتغال چه از نوع اقتصادی باشد، چه از نوع سیاسی و اجتماعی و فعالیت‌های خیرخواهانه، خوب است، زن‌ها نصف جامعه‌اند و خیلی خوب است اگر ما بتوانیم از این نیم جامعه در زمینه اینگونه مسائل استفاده کنیم.»^(۴) از نظر رهبر انقلاب، اشتغال زنان به شرط رعایت نکات زیر، خالی از اشکال است: ۱-حفظ خانواده و طلمه نخوردن روابط زناشویی ۲- توجه به خصوصیات زنانه در بحث اشتغال ۳- عدم خضوع زن در برابر مرد در محیط کار ۴- حفظ حریم‌ها. در نظر ایشان آنچه موجب رشد زن می‌شود صرفاً اشتغال بیرون از خانه نیست. مشاغلی همچون مشرکگری، فروشندگی، ماشین‌نویسی، مستخدمی و… چیزی به شأن زن اضافه نمی‌کند، بلکه فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، علمی و مذهبی است که زن را رشد می‌دهد.اگرچه بست شمردن کار خانگی و در مقابل ارزشمند شمردن اشتغال بیرون از خانه به عنوان رشد و ترقی، زن، ریشه در تفکرات فرسینستی دارد.

■ **نقش زنان در انقلاب**

حضور انقلابی زن‌ها که از زمان مشروطه آغاز شده و تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی و پس از آن ادامه یافته، از دیدگاه رهبری در واقع بازگشت زن به فطرت و اصل خویش است. زنان علاوه بر حرکات انقلابی، شرکت در تظاهرات و فعالیت‌های امدادی و… با فداکاری‌هایی که نسبت به همسران، فرزندان و برادرانشان ابراز کردند سهم زیادی در پیروزی انقلاب داشتند. اگر حضور زنان نبود، انقلاب اینگونه به ثمر نمی‌نشست و تأثیرگذار نمی‌شد. از نظر ایشان داخل کردن زنان به متن انقلاب، یکی از

کلیدهای اساسی پیروزی هر انقلابی است: «اگر حضور زنان در نهضت انقلابی ملت ایران نمی‌بود، به احتمال زیاد این انقلاب به این شکل پیروز نمی‌شد یا اصلاً پیروز نمی‌شد یا مشکلات بزرگی در سر راه آن پدید می‌آمد. بنابراین حضور زنان مشکل گشا بود. در جنگ هم همینطور بود، در مسائل دیگر از اول انقلاب تا به‌حال هم همین‌گونه بوده‌ است. بنابراین تلاش زیادی شده است.»^(۵).ایشان معتقدند این نقش حساس و بی‌بدیل باید ادامه داشته باشد: «لان برای نگه داشتن زن ایرانی در همان روندی که در انقلاب او را در آن انداخته بود و حفظ آن حالت، احتیاج داریم به چند چیز: اول به ادامه استدلال، یعنی آن استدلال صحیح و متینی که نشان می‌دهد جایگاه زن چیست. ثانیاً به ادامه و حفظ حالت انقلابی در او، ثالثاً جلوگیری از نفوذ آن چیزی که بیشترین تکیه‌گاه فرهنگ طاغوتی بود که آن غریزه را تحریک می‌کرد؛ یعنی عکس‌ها، فیلم‌ها و…»^(۶)

■ **زنان متولی مسائل زنان شوند**

از نقطه نظر رهبر معظم انقلاب در درجه اول، این زنان هستند که باید برای حل مشکلات قشر خودشان اقدام کنند. جامعه زنان باید کار فرهنگی را در اولویت خود قرار دهند و دادن شناخت و آگاهی به قشر زنان، آنها را در برابر تهاجم فرهنگی دشمن مقاوم می‌سازد. زن‌ها هستند که باید نگاه غلطی را که نسبت به زنان و مسائل مربوط به جنسیت وجود دارد، تصحیح کنند: «خانم‌های پاساد و تحصیلمکرده، خانم‌های اهل معرفت که باید وارد یک میدان مبارزه صحیح برای مسأله زن بشوند، به نظر من کوتاه‌ می‌کنند. کار را دست عامی، بی‌اطلاع و احیاناً کسانی که دلشان می‌خواهد فقط حرف بزنند رها می‌کنند. این درست نیست»^(۷)

■**دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات زنان**

بی‌نوشت

۱- **دیدار با زنان مسلمان ایران و ۹ کشور جهان(۱۳۸۱/۶۸)**

۲- **دیدار با مردم گنبد (۱۳۷۴/۷/۲۷)**

۳- **در مصاحبه پیرامون جایگاه زن در جمهوری اسلامی (۱۳۷۴/۶۳)**

۴- **خانواده (۱۳۹۲). نشر صهبا، چاپ اول، ص ۵۹**

۵- **خانواده، ص ۶۱**

۶- **دیدار با اقاشر مختلف مردم(۸۴/۳/۲۵)**

۷- **خانواده، ص ۶۲**

۸- **در مصاحبه با معله زن روز (۱۳/۱۲/۶۶)**

۹- **در گفت و شنود به مناسبت میلاد حضرت زهرا(س) (۱۳/۷/۷۷)**

۱۰- **خانواده، ص ۶۱**

۱۱- **ایمان**

۱۲- **بیانات در دیدار جمعی از زنان، به تاریخ (۱۳۷۶/۱۲/۲۰)**

۱۳- **در مصاحبه پیرامون جایگاه زن در جمهوری اسلامی (۱۳۷۴/۶۳)**

۱۴- **در دیدار زنان نماینده مجلس شورای اسلامی (۱۳/۴/۷۶).**

می‌رسد آل‌سعود مسؤولیت این مصیبت را بپذیرد چرا که پذیرش این مسؤولیت به معنی بی‌کفایتی و سوءمدیریت آل‌سعود در اداره امور حج است و اقرار به این مسأله یعنی آل‌سعود متولی شایسته و قابل اعتمادی برای مناسک حج نیست، لذا فشارها بر رژیم سعودی افزایش خواهد یافت و عملاً آل‌سعود جایگاه خود را از دست خواهد داد؛ و این شرایط برای آل‌سعود تهدید جدی محسوب می‌شود که در نهایت پایه‌های مشروعیت آل‌سعود را نابود خواهد کرد. خنثیصه رژیم دیکتاتوری سلطنتی آن هم از نوع قبیله‌ای و بدوی آن که تنها آل‌سعود نمونه باقی آن در جهان حاضر است؛ خودرآیی، تکبر، افراط‌گرایی، بنیادگرایی، توسعه‌طلبی، تمامیت‌خواهی، منفعت‌طلبی، خشونت، سرکوب، عدم مسؤولیت‌پذیری، عدم پاسخگویی، جنگ و کشتار است که ذات این حکومت است و تنها علاج آن سرنگونی و تغییر این رژیم است؛ تنها با نابودی این رژیم، جهان اسلام به آرامش و ثبات خواهد رسید و ریشه تمام تفرقه‌ها و انتشاق‌ها خشک خواهد شد و فرزند نامشروع آل‌سعود، یعنی تروریست‌های تکفیری نیز از بین می‌روند. لازمه رسیدن به این هدف نیز انقلابی بودن است و نه دیپلمات بودن، نشان دادن حسن‌نیت به خود را با دشمن به معامله بگذاریم و بر سر همه چیز مذاکره کنیم، مذاکره و در نتیجه آن مصالحه یعنی حق بین می‌روند. لازمه رسیدن به این هدف نیز انقلابی بودن است و نه دیپلمات بودن، نشان دادن حسن‌نیت به خود را با دشمن به معامله بگذاریم و بر سر همه چیز مذاکره کنیم، مذاکره و در نتیجه آن مصالحه یعنی حق و باطل امری نسبی است و می‌شود خون شهدای منا را نیز فراموش و معامله کرد ولی اسلام، حقیقت‌گرا و ارزش‌محور است و مخالف هرگونه مذاکره و معامله بر سر ارزش‌ها و اصول است و به هیچ‌وجه نمی‌گذارد خون شهیدیی‌آلود بماند.

به امید اینکه شهادت مظلومانه شهدای منا نابودی آل‌سعود و اذتاب آنها را رقم بزند و با آزادی مسجدالحرام و مسجدالنبی، مسجدالاقصی نیز آزاد شود.

ماجرای فرودگاه کوانترن

در یکی از روزهای سال ۱۳۹۸ه‌ش در حومه شهر تهران و در زیر یک چادر چرمی، «اشرف» ۲ دقیقه قبل از برادرش «محمدرضا» متولد شد. اگرچه اشرف به لحاظ عاطفی، روابط گرمی با پدرش- رضاشاه- نداشت اما از جهت خودرآیی تحت تأثیر پدر بود. «فردوست» درباره وی می‌نویسد: «اشرف قاجاقچی بین‌المللی بود و به طور مسجل عضو مافیای آمریکاست، او به هر جا که می‌رفت در یکی از چمدان‌هایش هروئین حمل می‌کرد و کسی هم جرأت نمی‌کرد آن را بازرسی کند. این مسأله توسط بعضی مأموران به من گزارش شد و من نیز به

محمدرضا اطلاع دادم که اشرف چنین کاری می‌کند. محمدرضا دستور داد به او بگوئید این کار را نکند. همین‌جا چه کسی به اشرف بگوید، من؟ موقعی که خود محمدرضا نمی‌توانست با نمی‌خواست جلوی اشرف را بگیرد، من که بومد و چگونه می‌توانستم؟» نقل است که رضاشاه هنگام خروج از ایران و تبعیدش به جزیره «موریس» خطاب به اشرف گفته بود: «از این به بعد در خانواده پهلوی تو تنها مرد هستی». به این ترتیب اشرف به قدرتمندترین فرد مملکت تبدیل شد و در بسیاری از امور داخلی و خارجی به اعمال نفوذ پرداخت. دیدار با رهبران خارجی از جمله اقدامات او بود؛ زنی که فردوست او را فاسدترین زن جهان معرفی کرده است. مسأله قاجاق موادمخدر و رابطه اشرف با «مافیا» به تدریج علنی شد و چند بار به افتضاح کشیده شد و در مطبوعات خارجی انعکاس یافت. مهم‌ترین این افتضاحات حادثه‌ای بود که در «نیس» فرانسه برای او رخ داد. یکی، دو سال قبل از انقلاب، آشهریور ۵۸ صبح زود اشرف از قمارخانه با تومبیل به ویلایش حرکت می‌کرد و در کنارش دوست صمیمی او به نام «فروغ» آخواجنوری آنجاست بود. تانک‌ها تومبیلی پولیش را سد می‌کند و فروغ را که از ترس به اشرف چسبیده بود با یک رگبار خلاص می‌کند. بعدها مشخص شد آنها از مافیا بوده‌اند، اشرف از یک‌سو در داخل ایران به کمک قدرتش به ترکتازی در ترازیت موادمخدر از مرزهای شرقی به غرب می‌پرداخت و از سوی دیگر با استفاده از خصوصیت دیپلماتیک که داشت به حمل‌ونقل موادمخدر به خارج اشتغال می‌ورزید. ماجرای «فرودگاه کوانترن» یکی از این موارد است. براساس مستندات موجود، در نوامبر ۱۹۶۱

در فرودگاه کوانترن چمدان‌های اشرف مورد تجسس مأموران بازرسی فرودگاه قرار می‌گیرد اما مأموران فرودگاه وی را به خاطر مصونیت دیپلماتیک آزاد می‌کنند. در هنگام انتشار خبر دستگیری «فریشتی» و کشیده شدن پای «ولولو» به ماجرا، مجدداً این خبر از سوی روزنامه‌های اروپایی مطرح و به طور مبسوط به آن پرداخته می‌شود. از آنجایی که اشرف و حتی خانواده سلطنتی به قاجاق موادمخدر اشتراف داشتند، لذا این موضوع به سرعت در محافل بین‌المللی مطرح شد و حیثیت رژیم پهلوی را بیش از پیش محدودش کرد. انتشار مقاله «لوموند» درباره این ماجرا، مصادف بود با ماجرای قریشتی و سفر محمدرضاشاه به اروپا، به همین جهت حساسیت زیادی در داخل و خارج کشور ایجاد کرد، طوری که «فرح‌دبیا» این اقدام را توطئه‌ای علیه خانواده سلطنتی از سوی دشمنان‌شان عنوان کرد. وی به نقل از «علی مسعودی» خبرنگار مجله «Neue Post» چاپ هامبورگ در این‌باره گفته است: علیاحضرت فرح شهبانوی ایران با صدای لرزان فرمودند: «دشمنان همسر من از هیچ پلیدی احتراز نمی‌کنند. دشمنان همسر من به هر کاری دست می‌زنند تا ریشه این افت از کشور ما کنده شود». شهبانو از فرط ایتام ناروا و زشت باخبر شوند». به دنبال انتشار این مقاله رژیم به سرعت واکنش نشان داد و «کمک وکلای وزریده‌ای به نامهای «Lemaire» و «Guelf» از منظر حقوقی به پیگیری مسأله پرداخت. به همین منظور طی مذاکرات و جلساتی که گاهی به صورت تهدید و گاهی نیز به صورت تطمیع بوده است در نهایت روزنامه «لوموند» را که در آن زمان دچار مشکلات مالی بود مجبور به جوابیه در رد آن مقاله کرد. در همان راستای این اقدامات علیه لوموند مقامات کشور سوییس نیز به پاسخ در رد این ادعا وارد شدند. به این ترتیب ماجرابی که در صحت آن تردید وجود نداشت و بر مبنای آن نیز در همان زمان کتابی منتشر شد، یک ادعای دروغبن و سوءتفاهم مطرح و حتی روزنامه لوموند مجبور به عذرخواهی رسمی و همچنین جمع‌آوری کتاب «Millebe» که براساس همین خبر چاپ شده بود، شد. روزنامه لوموند مورخه ۲۳ ماه مه در صفحه آخر ستون سوم خبر زیر را منتشر کرد: «دولت سوییس تکذیب کرده که علیاحضرت اشرف در جریان موادمخدر دخالتی داشته است». این ماجرا علاوه بر اینک از فساد رژیم برده برداشت، بخشی از فریبی از برای اعمال نفوذ بر رسانه‌های اروپایی حکایت کرد.

منبع: بخشی از مقاله موادمخدر و رژیم پهلوی، فصلنامه مطالعات سیاسی